

و صایای امیرالمومنین به  
امام حسن مجتبی (علیهما السلام)

# آیین زندگی

ترجمه و توضیح:

سید مهدی شجاعی



## مقدمه

آنچه پیش روی شماست، سفارشات، توصیه‌ها، موعظه‌ها، رهنمودها، آموزه‌ها یا رهنوشه‌های\* امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی است. نامه‌ای که حضرت مولا هنگام بازگشت از جنگ صفین، در یکی از منازل بین راه خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی نوشته‌اند. و طی آن همه آنچه را که یک انسان برای زندگی در این جهان به آن نیاز دارد، مورد توجه قرار داده‌اند.

ولی این فقط ظاهر ماجراست!

یعنی چه!؟

اگر این فقط ظاهر ماجراست، پس باطن یا بواطن ماجرا چیست؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- وصیت نامه به فرزند را قاعداً در کنج خانه می‌نویسند و در یک فضای

---

\*. وصیت در زبان عربی، به همه این معانی اطلاق می‌شود، به‌علاوه معنای رایج آن در فارسی؛ یعنی نکات و مطالبی که انسان مشرف به مرگ به بازماندگانش می‌سپارد. و به نوعی محصول و ماحصل عمر و اندوخته وصیت کننده به شمار می‌رود. انتخاب واژه توصیه‌نامه صرفاً به دلیل انس و ارتباط بیشتر با مخاطب صورت گرفته؛ در حالی که فرازهای آغازین کلام مولا و روح کلی نامه حضرت، انتقال عین واژه وصیت‌نامه را مریح می‌نماید.

خلوت و آرام و بی دغدغه.

نه زمانی که پشت سر، سخت‌ترین و پر ملال‌ترین جنگ، یعنی صفین قرار گرفته و در بغل، هزار جور جراحت جسمی و روحی و پیش رو انواع و اقسام فتنه‌ها و دسیسه‌ها.

در چنین شرایطی نوشتن یک یادداشت خصوصی یا وصیت نامه به فرزند - بی کمترین اشاره به مشکلات جاری و مسائل پیش رو - قدری غریب و باورناپذیر جلوه می‌نماید. آن هم مکتوبی که دوره‌ای کامل از قواعد حیات معقول و زندگی سعادت‌مندانه است.

۲- وصیت نامه‌ای که اختصاصاً برای فرزندی مشخص نوشته شده می‌تواند خصوصی و محرمانه برایش ارسال گردد و نیازی به برانگیختن توجه همگان ندارد.

۳- امام حسن مجتبی - همچنان‌که امامان دیگر علیهم السلام - از عصمت ذاتی و علم لدنی برخوردار است و قاعدتاً محتاج دستورالعمل‌های اصولی و اساسی زندگی نیست.

۴- اگر قصد حضرت مولا انتقال برخی از معارف و مفاهیم صرفاً به امام حسن مجتبی بود، می‌توانست این معارف را مثل اسرار خلقت و ودایع امامت به شیوه‌ای کاملاً کرامتی و خرق عادتی به ایشان منتقل سازد. نیاز نبود که این انتقال در قالب نامه‌ای سرگشاده صورت بگیرد.  
۵- و ۶- و ۷-...

خوب! غرض از چیدن این مقدمات چیست؟

با نفی این وجوه، در پی اثبات چیستیم؟

غرض از چیدن این مقدمات، رسیدن به این نکته است که:

مخاطب این وصایا و سفارشات مولا، ماایم. همه ما و تک تک ما.